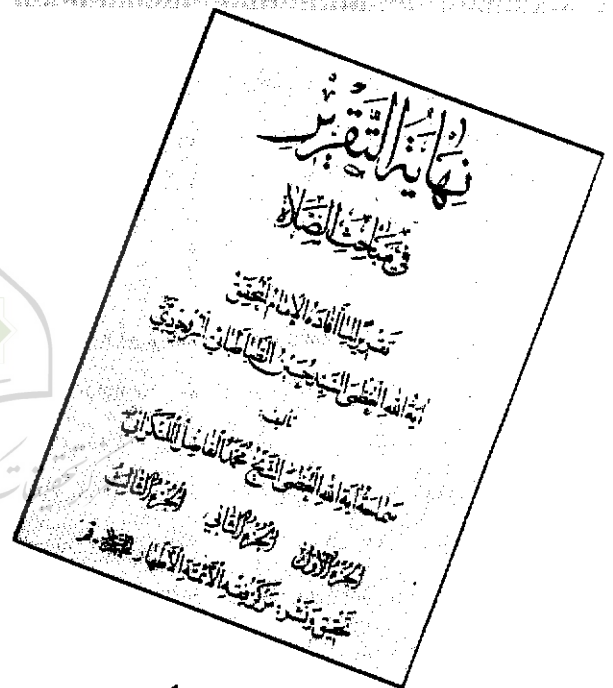


# شکوه تحریر در «نهایة التقرير»

محمدعلی سلطانی

مرحوم بروجردی یکی از فقیهان برجسته و صاحب ابتکار سده معاصر است. وی با توجه به شاگردان فراوانی که تربیت کرده و شیوه ابتکاری که در اجتهاد و استنباط احکام به کار گرفت، تأثیر جدی و به یاد ماندنی از خود در حوزه های دینی و بویژه در حوزه اجتهاد گذاشت. مراجع تقلید سه دهه اخیر عموماً از شاگردان وی بودند. شیوه استنباطی مرحوم بروجردی، گرچه از سوی شاگردان وی به طور گسترده مورد بهره برداری قرار می گرفت و اکنون نیز چنین است، با تأسف باید یادآور شد که این شیوه به طور مرتب و کامل از سوی کسی تدوین و ارائه نشده است. با این حال می توان روش وی را به طور پراکنده در تقریرات شاگردان آن مرحوم جست. از جمله شاگردان برجسته آن مرحوم که با نوشتن تقریرات درس وی کوششی قابل تقدیر در راستای تبیین شیوه اجتهادی وی به کار گرفت، آیه الله فاضل لنکرانی می باشد. وی در این تقریرات تلاش کرده است در مناسبت های گوناگون به روش اجتهادی آن بزرگوار اشاره کرده، آن را به گونه ای تقریر کند که خواننده به روش وی دست یابد. در این نوشته تلاش خواهد شد ضمن بیان



نهایة التقرير فی مباحث الصلاة. تقریراً لما افاده الامام المحقق آية الله العظمى السيد حسين الطباطبائي البروجردي (قدس سره)، تالیف: الفقيه الاصولی آية الله العظمی الشیخ محمد الفاضل اللنکرانی (مدظله)، ۳ ج، مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع)، قم، ۱۴۲۰ ق.

شکوه تحریر در نهایة التقرير

واجب روزانه هفده رکعت - نه کم و نه زیاد - است، اتفاق نظر دارند، بلکه این امر از ضروریات اسلام است؛ به گونه ای که هر مسلمانی آن را باور دارد.<sup>۱</sup>

و در مورد دوم می نویسد:

«نوافل دیگر روزانه، مورد اختلاف بین مسلمانان است. مشهور بین امامیه آن است که شمار آنها بیش از سی و چهار رکعت نیست».<sup>۲</sup>

وی آنگاه بتفصیل به مبحث دوم می پردازد و نظریات گوناگون را نقل و مورد بررسی قرار می دهد.

بر همین اساس وی در آغاز هر بحثی، چگونگی جریان مسأله را در بین عامه مسلمانان، در بین فرق گوناگون شیعه و در میان فقهای شیعه اعم از فقهای دوران نص و دوران اجتهاد، گزارش می دهد. برای نمونه بنگرید: ج ۱، ص ۵۸، ۶۵، ۷۶، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۴۳، ۳۷۰؛ ج ۲، ص ۶۲، ۱۷۳، ۲۸۵؛ ج ۳، ص ۵۱، ۱۲۳.

## ۲. بهره گیری اندک از اصول فقه

مرحوم بروجردی در استنباط احکام کمترین بهره را از اصول فقه می گرفت و تکیه اصلی را در استنباط احکام بر مباحث اصولی و بویژه اصول عملیه نمی گذاشت. تسلط گسترده وی بر آیات قرآنی و احادیث معصومان (ع) و قدرت شگفت او در تفسیر روایات و جمع بین موارد متناقض و شناخت تقدم و تأخر آنها، موجب شده بود در استفاده از ابزار استنباط احکام دستی توانا داشته باشند و کمتر نیازمند مباحث صرف عقلی اصول فقه گردند. گرچه وی از مباحث الفاظ بحث های اصولی بهره های خوبی برای فهم و تفسیر آیات و روایات می گیرند، به مباحث عقلی و اصول عملیه نیاز فراوان پیدا نمی کنند.

یکی از علل پنهان تورّم مباحث اصولی را باید در فقدان تسلط لازم پاره ای از دست اندرکاران اجتهاد بر روایات و تفسیر و توجیه آنها و شگردهای جمع بین روایات متناقض دانست. مرحوم بروجردی علی رغم تسلط فراوان بر مباحث اصولی در مقام استنباط احکام، کمتر به این مباحث نیاز پیدا می کرد. تسلط وی بر حدیث و چگونگی تفسیر و جمع بندی بین آنها و

۱. نهایت التفریر، ج ۱، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۴۰.

نکات برجسته کتاب به شیوه اجتهادی آقای بروجردی به طور گذرا اشاره شود.

## ۱. تاریخ مسأله

توجه به تاریخ مسأله را می توان یکی از پایه های روش اجتهادی آقای بروجردی شمرد. مطالعه مسأله در بستر پیدایش و روند آن در طول تاریخ اجتهاد به مستنبط این امکان را می دهد تا از تأثیر برداشت ها و اجتهادها در تحول مسأله و نیز نقشی که شرایط و اوضاع زمان های گوناگون در سعه و ضیق مسأله داشت، آگاهی پیدا کند. مسائل معمولاً هنگام پیدایش، بسیار بسیط و ساده هستند؛ ولی به مرور و در گذر تاریخ شکل آنها تغییر می یابد و گاه به گونه دیگر درمی آید. بی توجهی به این تحول ها موجب می گردد که در تطبیق مفاهیم و مضامین آیات و روایات به موضوع اشتباه های جدی رخ دهد.

آقای بروجردی برای پرهیز از این قبیل خطاها همواره مسائل را از چگونگی طرح شدن آن در صدر اسلام و در بین عامه مسلمانان آغاز می کرد. بدیهی است وقتی موضوعی در بین مسلمانان صدر اسلام مطرح باشد و در پیش روی پیامبر (ص)، مسلمانان به انجام آن اقدام کرده باشند و گزارش آن به طور کامل رسیده باشد، اجتهادهای بعدی چندان دارای اعتبار و ارزش نخواهد بود و باید در صحت آنها تردید کرد.

آقای فاضل در بسیاری از مسائل این توجه آقای بروجردی را آورده است که در ذیل نمونه ای آورده و به مسواری اشاره می کنیم:

در باره شمار عدد نمازهای واجب و شمار نمازهای مستحبی به چگونگی آن در صدر اسلام توجه کرده و مشخص بودن شمار نمازهای واجب در صدر اسلام و نامشخص بودن نمازهای مستحبی را دلیل بر عدم بحث تفصیل در بخش نخست و بحث تفصیلی در بخش دوم گرفته است. در خصوص بخش اول می نویسد:

«همه مسلمانان از عامه و خاصه در اینکه شمار نمازهای

اطلاعات غیر مکتوب را تنها در بین فقیهان مبتکر و تیزبین می توان سراغ گرفت. مرحوم بروجردی در این خصوص بسیار برجسته بود و گاه از جمع بین چندین مطلب روشن، به کشف و واقعیتی دست می یابند که در حالت عادی و بدون دیدن زوایای تاریک بحث قابل درک و کشف نیست. در ذیل به مواردی از این قبیل نکته سنجی ها که عموم آنها برخاسته از اصول و مبانی ویژه وی در چگونگی برخورد با گزارش های تاریخی و فقهی است، اشاره می کنیم و تلاش خواهیم کرد مبانی نظر وی را در هر مورد توضیح دهیم:

### الف. اهمیت به حکم متداول در مسائل عام البلوی

در مواردی که مسأله ای عام البلوی و از مسائل روزمره مسلمانان است و گزارش های متقنی از معصومان (ع) مبنی بر مخالفت با آن حکم در دست نباشد، همان حکم متداول بین عامه مسلمانان را حکم شرعی می شمارد؛ زیرا در مسائلی که گرفتاری هر روز مسلمانان است، اگر حکم متداول بین مسلمانان حکم شرعی نباشد، قطعاً باید مخالفت معصومان (ع) با آن گزارش شده باشد و عدم مخالفت دلیل بر تأیید آن حکم و موافقت امامان (ع) با آن است. وی در چنین مواردی در صورت دو گونه بودن روایات، نفس تداول حکم بین عامه مسلمانان را موجب رجحان روایت های موافق با حکم متداول می شمارد. آقای فاضل در این خصوص در مسأله اخفات و جهر در قرائت چنین گزارش می کند:

و حیثشذ فلو قدمت اخبار الوجوب ینبغی حملها علی  
الاستحبات لعدم معرفتة القول بالوجوب من احد  
المسلمین، مضافاً الی كون المسألة مما تعم به البلوی ومعه

۳. از مبانی بسیار مشهور مرحوم بروجردی، فرق گذاری بین متون فقهی عصر نقل روایت در شکل فتوا و بین متون دوران اجتهاد و تفریع فروع است. مرحوم بروجردی متون گروه نخست را به منزله روایت هایی تلقی می کرد که در شکل فتوا ارائه شده است و با وجود مطرح شدن مسأله ای در آن کتب و شهرت محقق بین فقیهان آن عصر، از نظر آنان عدول نمی کرد. ر.ک: ج ۲، ص ۲۹۴.

۴. **نهایة التقرير**، ج ۲، ص ۱۷۴. «با توجه به استقرار عمل و سیره پیامبر (ص) بر این امر به گونه ای در موارد اخفاء هیچ گاه به جهر نمی خواند و در مواضع جهر حتی یکبار به اخفاء نمی خواند، جایی برای تمسک به اصل نیست چون مدرک اصالة البرائة حکم عقل به زشتی عقاب بدون بیان است.»

هوشمندیش در بهره گیری از داده های تاریخی و گزارشی های مسلم در سیره و عملکرد مسلمانان و نیز سیره امامان معصوم (ع) در کنار مبنای ارزشمند و راهگشایش در خصوص حدیثی تلقی کردن متون اولیه فقهی،<sup>۳</sup> وی را آن قدر توانمند می ساخت که در استنباط احکام شرعی که پایه اصلی آن بر جعل و تشریح و در نتیجه عمده ترین راه شناخت آن گزارش گفتار و کردار مشرّع و مفسران معصوم آن است، نیاز فراوانی به مباحث عقلی پیدا نکند.

آقای فاضل در تقریرات خود موارد فراوانی از تصریح مرحوم بروجردی را به عدم نیاز به اصول عملیه با وجود دلیل دیگر، می آورد.

از جمله درباره جهر و اخفات در نماز پس از نقل استدلال عامه به اصالة البرائة از تکلیف و جویی می نویسد:

«لا یخفی انه لا مجال للتمسک بالأصل مع ما عرفت من استمرار عمل النبی علی ذلك بحيث لم یقرأ جهر أفی مواضع الأخفات ولا اخفاتاً فی مواضع الجهر اصلاً ولو مرة، لوضوح ان مدرک اصالة البرائة هو حکم العقل بقبح العقاب من دون بیان»<sup>۴</sup>.

استمرار عمل پیامبر (ص) در هیچ روایتی تصریح نشده است؛ اما مرحوم بروجردی از جمع بین روایات گوناگون و داده های تاریخی به این واقعیت دست یافته و چنین امری را بیان احکام شمرده و بر پایه آن نیازمندی به بکارگیری اصول عملیه را بی مورد می داند. بررسی و مطالعه کتاب آقای فاضل به روشنی، مقدار بی نیازی مرحوم بروجردی را از بکارگیری اصول، به کمک سلطه فراوان وی بر آیات و اخبار، نشان می دهد.

### ۳. نکته سنجی ها

یکی از خصوصیات بارز مرحوم بروجردی توجه به نکته ها و دقت در زوایای بسیار عادی و در عین حال فراموش شده تاریخی، حدیثی، عرفی و اجتماعی است. این قبیل دقت نظر ها و توجه به اطلاعات و آگاهی های حاشیه ای و به تعبیری

از این سخن می توان چنین بدست آورد که بیان ها و عدم بیان ها افزون بر معنای مطابقی از مفهومی التزامی برخوردار هستند که باید فقیه با تیزهوشی آن را بدست آورد. مرحوم بروجردی از عدم طرح گسترده این مسأله در روایت های شیعی چنین استنباط می کند که چون حکم معروف و شناخته شده در سیره پیامبر اکرم بود، نیازی به طرح آن نبود و عدم طرح شدن به مفهوم وجوب حکم است. بر همین اساس در مواردی مطرح شدن را دلیل بر عدم وجوب می شمارد. درباره استصحاب بلند کردن دست ها در هنگام تکبیر می نویسد:

«... ربما يمكن ان يستفاد منها [ای ذکرها فی الأخبار] العدم، من حيث ان اصل الحکایة يدل على عدم كون رفع اليدين امراً متداولاً بينهم و متعارفاً عندهم وهذا المعنى ربما ينافي الوجوب كما هو ظاهر».<sup>۷</sup>

برای آگاهی بیشتر از نظریه مرحوم بروجردی در مسائل مورد ابتلای همگان و چگونگی تفسیر و تأویل روایت ها در این قبیل موضوعات، می توان به موارد ذیل نیز مراجعه کرد: ج ۲، ص ۹۶، ۲۸۰؛ ج ۱، ص ۲۴۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۷۸. «اگر اخبار وجوب مقدم داشته شود، چاره ای جز حمل آنها بر استحباب نیست؛ چون در بین مسلمانان اعتقاد به وجوب آن، معروف نیست. افزون بر آنکه مسأله از موارد ابتلای همگانی است و در این صورت چگونه ممکن است حکم آن بر مسلمانان پوشیده بماند و روش آنان برخلاف آن استمرار پیدا کند؛ چنان که سخن راوی در پاره ای از روایت های گذشته پس از دستور امام به جهر خواندن، به اینکه «آنان جهر خواندن را بر ما منکر می شمارند» مشعر بر این امر است. چون این سخن می رساند که جهر خواندن در بین آنان از جمله منکرات شمرده می شد. بر این پایه می توان اخبار منع از جهر را چون با سیره مستمر مسلمانان هم آهنگ است، پیش داشت».

۶. همان، ج ۲، ص ۱۲۰. «از همین توضیح پاسخ ایرادی که به مضمون ذیل ممکن است مطرح شود، داده می شود. ایراد به اینکه اگر سوره واجب بود، باید بیش از این تبیین می شد؛ چون این موضوع که مخالف نظر همه عامه است - زیرا آنان قایل به استحباب هستند - اگر خلاف نظر امامان معصوم (ع) بود، باید در کلام آنان تکرار می شد تا شیعیان تردید در آن نمی کردند. [پاسخ آن است] که چون این امر [وجوب] موافق رفتار پیامبر (ص) است و شیعیان همواره آن را انجام می دادند؛ به گونه ای که نیازمند بیان و توضیح نیست».

۷. همان، ص ۹۵. «چه بسا از یادکرد آن در اخبار، عدم وجوب استفاده شود؛ چون اصل گزارش دلیل بر آن است که بالا آوردن دست ها چیزی متداول و متعارف بین آنان نبود و این امر با وجوب منافات دارد».

كيف يمكن خفاء حکمها على المسلمين بحيث استقرت سيرتهم على خلافه كما يشعر به قول الراوى فى بعض الروايات المتقدمة بعد امر الامام (ع) بالجهر: «انه ينكر علينا الجهر بها» فانّ ظاهره كون الجهر عندهم من المنكرات، ومن هنا يمكن ترجيح اخبار المنع، لموافقتهما للسيرة المستمرة.<sup>۵</sup>

از این بیان چنین می توان فهمید که نباید احکام متداول بین عامه را حمل بر مخالفت آنان با حکم شرعی واقعی بکنیم، بلکه اگر در مواردی نظریه آنان مخالف با احکام منقول از امامان (ع) است. ناشی از عدم اطلاع از حکم واقعی و برپایه استنباط از منابع موجود در پیش آنان است و از این روی در مواردی که مسأله از مسائل مورد ابتلای همگان است و توجیهی برای مخفی ماندن حکم واقعی نیست، باید حکم موجود و متداول بین آنان را حکم واقعی بدانیم و موافقت پاره ای از روایات با این قبیل احکام رانه تنها نباید موجب قدح و ضعف آن روایات شمرده، بلکه باید آن را دلیل بر قوت روایات شمرده و ضعف ناشی از موافقت عامه را به موارد اجتهادی و در غیر مسائل مورد ابتلای همگانی منحصر ساخت.

در همین راستا، گاه عدم بیان و یا کم توجهی بدان در روایات منقول را دلیل بر وجوب یک مسأله می شمرند. درباره وجوب قرائت سوره کامل پس از قرائت سوره حمد در نماز و اشکال به آن به اینکه اگر واجب بود باید بیش از این، موضوع در روایت ها مورد توجه قرار می گرفت، می گوید:

«ومن هنا يظهر الجواب عما ربما يمكن ان يقال: من انه لو كانت السورة واجبة لكان اللّازم ان يكون البيان اكثر ممّا عرفت، فانّ هذا الامر الذى مخالف لجمهور العامة - حيث انهم يقولون بالاستحباب - لو كان ثابتاً عند ائمة الشيعة - صلوات الله عليهم اجمعين - لتكرّر ذكره فى كلماتهم، بحيث لا يبقى لشيعتهم الشك فيه، وذلك لأنّ هذا الامر لكونه موافقاً لعمل النبى (ص) ولمواظبة الشيعة عليه، صار بحيث لا يحتاج الى البيان اصلاً».<sup>۶</sup>

ب. توجه به نکات تاریخی در روایت‌ها

چگونگی صدور روایات و فضای حاکم بر آن از نکات ظریف و دقیقی است که فقیه را در بسیاری موارد به دست‌یابی حکم واقعی کمک می‌کند و احتمال خطا در بهره‌گیری از مقدمات استنباط را کم می‌کند. مرحوم بروجردی هم در تفسیر و تأویل روایت‌ها به این نکته توجه داشت و هم در نقد و بررسی فتاوی عامه و خاصه از آن غافل نبود. به عنوان نمونه در بحث سجود، روایتی از طریق علی بن حکم از شخصی به نام رحیم از امام رضا(ع) نقل می‌کند که امام در سجده اول و سوم بعد از سر برداشتن از سجده لحظه‌ای می‌نشستند و آنگاه برمی‌خاستند. راوی پس از دیدن نماز امام(ع) از وی می‌پرسد: آیا ما نیز مثل شما عمل کنیم؟ امام(ع) می‌فرماید: به چگونه نماز خواندن من کاری نداشته باشید؛ همان گونه که به شما دستور داده شده، عمل کنید. مرحوم بروجردی در تأویل این روایت، به چند نکته توجه می‌دهد که کار تفسیر آن را آسان می‌کند: نخست آنکه از مطرح نشدن نام «رحیم» در کتب رجال چنین می‌فهمد که وی از توده مردم و انسان عادی بود و دو دیگر آنکه از آنجایی که علی بن حکم از وی نقل می‌کند و وی کوفی است، استنباط می‌کند که راوی از اهل کوفه است و چون در کوفه فتاوی ابی حنیفه رایج بود و طبیعی است که افراد عامی و توده مردم به فتاوی متعارف بین مردم عمل می‌کنند، امام نخواسته‌اند این باور را از بین ببرند و وی را از روش و سیره مستمره برگردانند.<sup>۸</sup> مرحوم بروجردی به ملاحظه این نکات تاریخی از این روایت چنین استنباط می‌کند: «جلوس بعد از سر برداشتن از سجده واجب نیست؛ چون اگر واجب می‌بود باید امام(ع) وی را به ترك سیره و روش متداولش توصیه می‌کرد و از اینکه وی را بر ادامه روش قبلی اش دستور می‌دهد، می‌توان فهمید که جلوس واجب نیست، بلکه یک امر مستحبی می‌باشد».

نمونه‌های دیگر از این نکته سنجدی‌ها را ببینید در: ج ۲، ص ۳۳۷؛ ج ۳، ص ۲۰۲، ۲۹۵، ۳۰۷؛ ج ۱، ص ۷۷، ۸۸، ۱۳۷، ۲۱۰.

ج. دقت در ادبیات و متن روایت‌ها

یکی از نکته‌های برجسته در فقه مرحوم بروجردی، دقت در ساختار روایت‌ها است. با توجه به تسلط فراوان وی به روایات و نیز متون و ادبیات عربی در بسیاری موارد متن روایت‌ها را از نظر

استواری متن و ساختار بیانی مورد توجه قرار می‌داد و از این راه به درستی و نادرستی نقل‌ها و اضطراب و عدم اضطراب متن روایت‌ها پی می‌برد. عدم تسلط بر ادبیات عرب و شناخت ساختار بیانی کلام معصومان(ع) در مواردی فقیه را در استنباط احکام سردرگم می‌کند و وی را به تفسیرها و توجیه‌های بدور از واقع می‌کشاند. گوناگونی راویان از نظر تسلط بر زبان و ادبیات عرب، غیرمتداول بودن نگارش حدیث در زمان استماع آن، وجود فرقه‌های گوناگون و علاقه مندی آنان به جعل تدلیس و دس در روایت‌ها و عوامل گوناگون دیگر موجب بروز اضطراب‌ها و ناستواری در برخی از روایت‌ها و گزارش‌ها شده است. فقیه آگاه به ادبیات عرب به خوبی این ناستواری‌ها را می‌فهمد؛ ولی فقیه غیرادیب چنین نیست. مرحوم بروجردی بنا بر گزارش آقای فاضل در موارد بسیاری به ناستواری متن روایت توجه کرده و یادآور شده است؛ از جمله در: ج ۱، ص ۳۷۷، ۳۵۸، ۴۱۹، ۴۲۵؛ ج ۲، ص ۱۳۶، ۲۷۰، ۲۸۹، ۴۹۲؛ ج ۳، ص ۲۹۵.

از مطالعه و بررسی کتاب ارزشمند نه‌ایه‌التقریر مبانی دیگر مرحوم بروجردی از قبیل ضرورت تسلط فقیه بر فتاوی عامه،<sup>۹</sup> تقدم فتاوی مندرج در کتب فقهای نخستین و نیز دقت نظرهای عمیق وی در روایت‌ها<sup>۱۰</sup> بدست می‌آید که با توجه به مطرح شدن آن در دیگر جاها و ضرورت اختصار بحث، از تفصیل آن در این نوشته پرهیز می‌شود.

از نکات برجسته کتاب استخراج اقوال فقها و نشان دادن موضع آن در کتب آنان است که بسیار گسترده و با ارزش می‌باشد. همچنین روانی بحث و سهل الوصول بودن آن بیانگر قدرت قلمی مقرر می‌باشد که موجب آسان شدن بسیاری از مباحث فنی و پیچیده شده است. باید از همه کسانی که در به ثمر رسیدن این مجموعه ارزشمند تلاش کرده‌اند، سپاسگزار بود.

۸. همان، ص ۲۷۹.

۹. همان، ص ۳۳۶. «از آنجایی که فقه امامیه غالباً از امامان معصوم(ع) گرفته شده است و هر کدام از آنان معاصر گروهی از مخالفان متصدی افتاء بودند، در دستیابی به مفاد روایات و توضیح مفهوم آنها باید فتاوی معاصران امامی که روایت از وی نقل شده است، دیده شود».

۱۰. بهره‌های فقه الحدیثی و رجالی کتاب نه‌ایه‌التقریر بسیار فراوان است، از این رو تصمیم بر آن است این قبیل بحث‌ها به طور مستقل در نشریه‌های متناسب با بحث‌های حدیثی مطرح شود و در اینجا از بحث تفصیلی در این نکته‌ها پرهیز شد.